



تنبلی اجتماعی ریشه در خلیقات تاریخی جوامع دارد/میزان تنبلی ایرانیان از متوسط جهانی بیشتر است

نتایج پژوهش "تنبلی اجتماعی، علل، پیامدها و راهکارها" حاکی از آن است که تنبلی اجتماعی ریشه در خلیقات تاریخی جوامع دارد و میزان تنبلی ایرانیان از متوسط جهانی بیشتر است و تنها کشورهای عربی و آفریقایی هستند که بیش از ایرانیان دچار تنبلی هستند.

محیط دانشگاه

نتایج پژوهش "تنبلی اجتماعی، علل، پیامدها و راهکارها" حاکی از آن است که تنبلی اجتماعی ریشه در خلیقات تاریخی جوامع دارد و میزان تنبلی ایرانیان از متوسط جهانی بیشتر است و تنها کشورهای عربی و آفریقایی هستند که بیش از ایرانیان دچار تنبلی هستند.

به گزارش ایسنا، هدف این پژوهش که به سفارش کمیسیون اجتماعی شورای عالی انقلاب فرهنگی و توسط دکتر محمدرضا جوادی یگانه انجام شده است، تبیین دقیق مفهوم "تنبلی اجتماعی" و بررسی علل، پیامدها و ارائه راهکار علمی برای رفع این مشکل است.

در این پژوهش سعی شده تا با بررسی تطبیقی نظرات جامعه شناسان و روان شناسان اجتماعی و با در نظر گرفتن مختصات و مقتضیات اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و ... موضوع تبیین شده و سپس با توجه به همین مؤلفه ها راهکارهای رفع این مشکل ارائه شود.

در چکیده این پژوهش آمده است: "تنبلی اجتماعی، بر اساس کنشگر عاقل مندرج در نظریه انتخاب عقلانی، کسی است که یا به دنبال تمدید وضعیت موجود است، یا لذت آنی را بر نفع آنی خود ترجیح می دهد. تنبلی در این تحقیق، هم در سطح فردی دیده شده و هم در سطح اجتماعی به معنای برآیند تنبلی افراد دیده شده است و هم تعریف جدیدی از تنبلی شده است که بر اساس آن، تنبلی اجتماعی محصول ناهماهنگی در سطح سیستم اجتماعی است و تلاش افراد و دست اندرکاران نیز نمی تواند به بهبود آن چندان کمکی کند، مگر آنکه آن موانع ساختاری برطرف شود.

عوامل مؤثر بر تنبلی در سطح فردی و ساختاری هر دو مؤثر هستند، ولی عوامل زیر در این تحقیق سنجیده شده است: بیگانگی اجتماعی، تقدیرگرایی، نوگرایی، توجه به آینده، تمایل به کارهای زودبازده و یک شبه، خودمداری، فردگرایی، فرار از مسئولیت به خاطر نفع فردی، بیگانگی شهروندان از حکومت، احساس بی قدرتی و بی هنجاری.

در این پژوهش برای سنجش میزان تنبلی در تهران از پیمایش از 1328 نفر از شهروندان تهرانی با روش نمونه گیری «spss» انجام شده است و نتایج تحقیق، وجود حداقل 20 درصد تنبلی در سطح شهروندان (در سطح زیاد و خیلی زیاد) را تایید کرد. نتایج تحلیل چند متغیره نیز تاثیر همزمان سه عامل تقدیرگرایی، خودمداری و بی قدرتی را در تبیین تنبلی مؤثر دیده است.

بر اساس نتایج تحقیق، تلاش شد تا یک تیپ تنبل ساخته شود که در میان افراد با تحصیلات پایین تر، طبقات اجتماعی پایین تر و با آگاهی اجتماعی کمتر بیشتر دیده می شود.

نتایج تحقیق تطبیقی نشان می دهد که میزان تنبلی ایرانیان از متوسط جهانی بیشتر است و تنها کشورهای عربی و آفریقایی هستند که بیش از ایرانیان دچار تنبلی هستند. تحلیل محتوای سفرنامه هو وجود برخی نشانه های تنبلی را از دیرباز در ایران تایید کرد.

در انتهای تحقیق نیز تلاش شد تا راهکاری فردی و اجتماعی برای تنبلی ارائه شود.

پیامبر اسلام (ص) ویژگی rlm& های انسان تنبل را چنین برمی شمارد: «عَلَامَةُ الْكُسْلَانِ أَرْبَعَةٌ: يَتَوَانِي حَتَّى يُفْرِطَ وَ يُقَرِّطُ حَتَّى يُضَيِّعَ وَ يُضَيِّعُ حَتَّى يَأْتِمَ وَ يَضْجَرَ.»
شانه های تنبل، چهارچیز است: به اندازه rlm& ای (در کار) سستی می rlm&; ورزد که به کندی و تفریط می

رلم&؛ گراید، و چنان کندی می کند که (اصل کار را) فرومی رلم&؛ گذارد، و چندان فروگذاری می رلم&؛ کند که گنه رلم&؛ کار می شود، و دل مرده می شود.»

رهبر معظم انقلاب «مدظله العالی» در سخنرانی های متعددی که در این باره بیان کرده اند، تنبلی را با صفت های گوناگون همراه کرده اند، که می تواند منظور ایشان را از تنبلی بهتر بیان کند و فهم بیشتری از آن بیان کند. آنچه همراه با تنبلی است (علل، نشانه ها یا پیامدهای تنبلی)، از نظر ایشان عبارت است از: «گریز از مسئولیت، ظلم پذیری، فساد، رشوه، بدخواهی و بددلی، بیکارگی، سوء عمل و بدکارگی، تن پروری، بی اعتنائی به کار، بی شوقی نسبت به حرکت، ضعف و سستی، عدم همت، عدم تحرک، فساد، راحت طلبی، عشرت جویی، مصرف گرایی، بی برنامه گی، بی قانونی، نداشتن نیروی لازم، ترس و تن دادن به زندگی، آسان، نرسیدن به خود و غفلت، بی حالی، سهل انگاری، کار را به دست حوادث و قضا و قدر سپردن، بیکارگی، بی اهتمامی، بی نشاطی، کسالت، نبودن سازندگی و ابتکار و اصلاح امور اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مردم، نبودن پیشرفت علم و دانش در کشور، نبودن تحقیقات و کلاس درس، نومیدی، بی حوصلگی،

بهانه جویی نسبت به انسان های دیگر، بی تعهدی، پشت میزنشینی، تن آسایی، سستی و کندی، بدعملی، لاابالگیری، بی عاری، کنار نشستن، محاسبه بد کردن، کوتاهی، خودخواهی و دنیاطلبی و غفلت و ضعف نفس». این مجموعه وسیع توصیفات، نشان دهنده اهمیت مساله تنبلی نزد ایشان است. این توجه رهبر انقلاب و دیگر مسئولان در کشور، نسبت به خصایص اخلاقی منفی ایرانیان و مخصوصا «تنبلی اجتماعی» نشان از «مساله بودن» این امر در جامعه ما دارد.

مقوله تنبلی به عنوان یک خصیصه فردی موضوع مطالعه روانشناسی قرار گرفته است و از آن به «اهمال کاری» یاد شده است.

با وجود اهمیت زیاد مسئله تنبلی، تاکنون تحقیق و حتی مقاله جامعی پیرامون تنبلی اجتماعی در ایران انجام نشده است. البته برخی متون در باب خلیقات منفی ایرانیان و در ذیل آن تنبلی اجتماعی موجود است، مانند جمالزاده (1345)، بازرگان (1357)، قاضی مرادی (1378)، چلیبی (1381)، در این کتاب، به تحقیق باستون نیز اشاره شده که شخصیت ایرانی را مورد بررسی قرار داده است، و به صورت تلویحی در بی من (1381).

تحقیق حاضر با توجه به نداشتن پیشینه قبلی و بدیع بودن آن، سه هدف کلی را مد نظر دارد:

الف- پاسخ به این پرسش که آیا ایرانیان واقعا دچار مسئله ای اجتماعی به نام تنبلی اجتماعی هستند؟ و اگر هستند بیشتر با چه نوعی از تنبلی روبرو هستند؟ این میزان، در مقایسه با سایر کشورهای جهان، چه تفاوتی دارد؟

ب- در صورت وجود این خصلت در جامعه ایران، چه عوامل فردی و ساختاری (در سطح فردی و اجتماعی) زمینه ساز و سبب ایجاد تنبلی اجتماعی در ایران شده است؟

ج- هدف سوم که متفرع بر دو هدف اول است، پیدا کردن راهکارهایی برای تخفیف تنبلی اجتماعی است که در سطوح گوناگون و برای نهادهای گوناگون دست اندرکار مساله، پیشنهاد می شود.

در تحقیق حاضر برای فهم میزان تنبلی ایرانیان و نیز شناخت علل موثر بر تنبلی آنها و نیز نگرش آنها به تنبلی، از روش پیمایش استفاده شده است و برای آن از 1238 نمونه در سطح شهر تهران استفاده شده است. البته باید به این نکته توجه داشت که آنجا که پای خلیقات منفی در میان است، معمولا نمی توان پاسخ های دقیقی از مردم گرفت و برای اطمینان بیشتر باید از روش های تکمیلی نیز استفاده کرد. به همین منظور در این تحقیق علاوه بر پیمایش، از روش های اسنادی (مطالعه سفرنامه ها) و مطالعات تطبیقی بین کشوری نیز استفاده شده است.

در این تحقیق، سه نوع تنبلی تعریف شده است. دو نوع آن تنبلی فردی و تنبلی اجتماعی ای است که برآیند تنبلی فردی است، یعنی آنگاه که اکثر افراد جامعه تنبل هستند. اما بجز این دو نوع تنبلی که بیشتر بر پایه فردی و نمود اجتماعی آن است، نوع دیگری از تنبلی نیز تعریف شد که از آن به «تنبلی اجتماعی» یاد شد و آن هنگامی است که افراد تنبل نیستند یا گرایش ها و نگرش های معطوف به تنبلی ندارند، بلکه مسائلی در سطح اجتماعی و ساختارهای آن است که باعث ایجاد تنبلی می شود.

برای این نوع از تنبلی منتهی از اعمال کنشگران اجتماعی که نیت ایجاد تنبلی هم ندارند، راه حل های دیگری باید داد که لزوما ارتباطی به افراد ندارد و در عوض ساختارهای اجتماعی را هدف می گیرد.

عواملی که در این تحقیق، بر اساس بررسی های نظری اولیه بر تبدیلی موثر شناخته شد، در دو سطح ساختاری (ساختار حکومت) و فرهنگ، علاوه بر متغیرهای زمینه ای چنین بود؛ الف) در سطح ساختاری و حکومت: انحصارگرایی، نبودن قانون و قانونگرایی، ضعف نظارت بر عملکرد افراد، ضعف کنترل اجتماعی، ساخت سنتی، ناامنی و عدم امکان پیش بینی، ب) سطح فرهنگ: تقدیرگرایی، خودمداری، تمایل به کارهای زودبازده و یک شبه، فرار از مسئولیت بخاطر نفع فردی، اعتقاد به تعالیم جبرگرایانه، تمایل به کارهای زودبازده و یک شبه، ضدارزش نبودن تبدیلی، عدم آگاهی از مصادیق تبدیلی از سوی افراد، بیگانگی شهروندان از حکومت، احساس بی قدرتی، بیگانگی اجتماعی و پایین بودن نیاز به موفقیت.

به دلیل محدودیت عملی (وزمانی پرسش از پاسخگویان)، تنها متغیرهایی در پیمایش پرسیده شد که در سطح فردی باشند و نه در سطح ساختاری. اما راهکارهای مساله تبدیلی اجتماعی در بعد اجتماعی نیز قابل پیگیری است.

درباره علل اجتماعی تبدیلی؛ $\text{rlm}; \text{rlm}; \&\text{rlm}$ می توان به صورت خاص بر هریک از عوامل تاکید کرد و برای رفع آن چاره ای اندیشید. همچنین با توجه به تاثیر همزمان سه عامل تقدیرگرایی؛ $\text{rlm}; \text{rlm}; \&\text{rlm}$ ، خودمداری و بی قدرتی می توان تاکید اساسی را روی رفع یا تخفیف این سه عامل متمرکز کرد.

البته چنانچه در باب علت ها و نیز روند در ایران ذکر شد؛ $\text{rlm}; \text{rlm}; \&\text{rlm}$ ، با توجه به طبقه بندی دو گانه تبدیلی و غیرتبدیلی، و نیز روندها در جامعه ایران؛ $\text{rlm}; \text{rlm}; \&\text{rlm}$ مساله تبدیلی در بعد فردی، به اندازه بعد اجتماعی آن جای نگرانی ندارد. آنچه بیش از اندازه اهمیت دارد و کمتر از بقیه مورد توجه قرار گرفته است، مساله میزان و نحوه تلاش حکومت است.

بر اساس اعلام روابط عمومی شورای عالی انقلاب فرهنگی، این بحث از آن رو اهمیت دارد که تعریف اجتماعی تبدیلی بر این پایه استوار است که موقعیت هایی وجود دارد که در آن افراد تبدیلی نیستند، اما سیستم به گونه ای است که محصول زحمات افراد (یا خرده نظام های اجتماعی) به هدر می رود و لذا جامعه به نتیجه دلخواه خود نمی رسد.